

انواع زندانها و افراد قابل پذیرش در آنها

- دکتر علی صفاری^۱
- استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

در مقاله حاضر انواع زندانها شامل بازداشتگاه و زندان محکومان - اعم از افراد بزرگسال و زیر ۱۸ سال تمام و نیز سایر افرادی که به گونه‌ای لازم است جدای از دیگران نگهداری شوند - بر اساس آیین‌نامه‌های زندان و نیز یک تقسیم‌بندی مورد اشاره یکی از فقهای معاصر مطرح و توضیح داده شده است. موضوع دیگر بحث افراد قابل نگهداری در هر یک از این زندانها و نیز کاستیها یا مغایرت‌های برخی قسمتهای آیین‌نامه‌های زندان با مقررات کلی و استاد بین‌المللی است.

کلید واژگان: زندان، آیین‌نامه زندانها، طبقه‌بندی زندان، طبقه‌بندی زندانیان.

درآمد

زندان، در ایران قدمت زیادی دارد که در اینجا مطرح نخواهد شد و اشاره‌ای بس است که طبق شواهد تاریخی، زندان و حتی کیفر حبس - هرچند در مواردی نادر -



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

که از ۵۵۰ قبل از میلاد حضرت مسیح علیه السلام شروع می‌شود، در ایران باستان نیز وجود داشته است (نوربها، ۱۳۸۵: ۷۸؛ واحدی نوایی، ۱۳۸۰: ۸۷-۸۹). به همین دلیل در مورد تعریف و انواع زندان فقط به شرح و تفسیر برخی از قسمتهای «آیین‌نامه‌های زندان»^۱ بسنده می‌شود. مفهوم کیفر حبس، در ادبیات فقهی و حقوقی و نیز در آیین‌نامه‌های زندان در جای دیگر بحث شده (ر.ک: حاجی تبار، ۱۳۸۶: دیباچه دکتر علی صفاری)، در این مقاله ابتدا تقسیم‌بندی نقل شده از سوی یکی از فقهای معاصر از انواع زندان و نقد آن مطرح می‌گردد، سپس انواع زندانهای موجود و افراد قابل پذیرش و نگهداری در هر یک از آنها به گونه‌ای که در «آیین‌نامه‌های زندان» آمده بیان می‌شود.

تقسیم‌بندی زندان در آثار فقها

تقسیم‌بندی زندانها و نحوه نگهداری زندانیان و شکل ظاهری آن، بر خلاف موضوعات دیگر، در ادبیات فقهی از بسط و عمق کافی برخوردار نیست. آنچه قابل ذکر است نقل یک تقسیم‌بندی در کتاب مبانی فقهی حکومت اسلامی است (منتظری، ۱۳۷۱: ۹۷/۴-۱۰۳ به نقل از وائلی، ۱۳۶۴) که در آن دو نوع دسته‌بندی از زندانها و

۱. منظور از «آیین‌نامه‌های زندان» عبارت است از:

- ۱- «آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» مورخ ۱۳۸۴/۹/۲۰ (روزنامه رسمی شماره ۱۷۷۲۴ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۶).
- ۲- «آیین‌نامه اجرایی نحوه اداره بازداشتگاههای امنیتی» مورخ ۱۳۸۵/۸/۳۰ (روزنامه رسمی شماره ۱۷۹۹۷ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۸).
- ۳- «آیین‌نامه اجرایی بازداشتگاههای موقت» مورخ ۱۳۸۵/۸/۳۰ (روزنامه رسمی شماره ۱۷۹۹۷ مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۰).
- ۴- «آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان» مورخ ۱۳۸۵/۹/۹ (روزنامه رسمی شماره ۱۷۹۹۹ مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۰).

جهت اختصار، از آیین‌نامه‌های فوق به ترتیب زیر در متن نام برده می‌شود «آیین‌نامه زندانها مصوب سال ۱۳۸۴»، «آیین‌نامه بازداشتگاههای امنیتی»، «آیین‌نامه بازداشتگاههای موقت» و «آیین‌نامه طبقه‌بندی زندانیان».

با این توضیحات، روشن است که حبس با خدمت و مقررات آن و نیز خصوصیات محل و افراد قابل نگهداری در آن -موضوع دستورالعمل حبس با خدمت موضوع تبصره ماده ۱۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ مجلس محترم شورای اسلامی، مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۷۴۴۵ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۳- از بحث خارج است.

زندانیان نقل شده است: تقسیم زندان برحسب دسته‌های زندانیان و بر اساس موجبات زندانی شدن که در دو قسمت بعدی شرح این عناوین خواهد آمد.

تقسیم زندان برحسب دسته‌های زندانیان

تحت این عنوان صرفاً به تقسیم زندانیان به زنان و مردان و به گونه‌ای کلی به تفکیک «محل زندانیان جوان و بی‌تجربه و ساده، از محل زندگی آنانی که مستغرق در انحراف فکری و عقیدتی، فاسد و دل‌بسته به مرامهای باطل و مولد کینه و دشمنی هستند» اشاره شده است. همان گونه که در گفتار بعدی اشاره خواهد شد، از آیین‌نامه زندانها نیز می‌توان چند تقسیم‌بندی بر اساس دسته‌های خاص زندانیان استخراج نمود، لیکن زندان زنان و مردان و امثال اینگونه تفکیکها در آن نمی‌گنجد و جدایی این دسته‌ها از یکدیگر تنها بر اساس مقررات مربوط به طبقه‌بندی زندانیان انجام می‌گیرد.

طبقه‌بندی زندان، طبق موجبات زندانی شدن

این تقسیم‌بندی به علت و سبب زندانی شدن فرد اشاره دارد. در جلد چهارم مبانی فقهی حکومت اسلامی به نقل از کتاب احکام السجون وائلی، زندانها بر اساس موجبات زندانی شدن فرد، به چهار صنف تقسیم شده است. در حالی که همان گونه که بعداً توضیح داده خواهد شد- امروزه افراد به یکی از دو دلیل کلی به زندان معرفی می‌شوند: یکی به دلیل بازداشت (اعم از موقت یا به خاطر عدم توانایی معرفی کفیل یا تأمین وثیقه و مانند آن) و دیگری به عنوان محکومیت کیفری و تحمل مجازات اصلی (حبس) یا بدل از یک کیفر دیگر مثل جریمه نقدی. در حال حاضر، در ایران بر خلاف برخی مقررات بین‌المللی، علت سومی نیز برای زندانی شدن افراد، وجود دارد که همان عدم توانایی پرداخت محکومیتهای مالی است.

زندان احتیاطی

این نوع زندان برای نگهداری متهم، پیش از اثبات جرم به طور موقت، برای جلوگیری از فرار یا تأثیرگذاری نامطلوب بر تحقیقات قضایی و همچنین برای کسی به کار می‌رود که مجهول‌الحال است و نیکوکاری و بدکاری او ثابت نشده است.

زندان اکتشافی (استبرائی)

برای نگهداری کسی به کار گرفته می‌شود که مدیون است و حال او از نظر تمکن و ناداری مشخص نیست؛ به نظر برخی از فقها، تفاوتی بین این نوع و گونه اول وجود ندارد. هرچند ممکن است گفته شود که اولی در جایی است که بدون مقدمه و بدون اینکه شاکی داشته باشد به کسی مشکوک شوند و او را نگهدارند و درباره او تحقیق کنند، اما در دومی فرد مدیون یا منسوب به فساد است و با این سابقه دستگیر می‌شود.

زندان حقوقی

یعنی زندانی کردن فرد، به منظور اخذ یک حق از او که هم شامل حقوق عمومی است و هم حقوق خصوصی. در حقوق عمومی، مثل کسی که به آزارسانی مردم مشهور باشد، هرچند با چشمک زدن که حبس ابد می‌شود یا جاسوسی که حبس می‌شود تا توبه نماید و در حقوق خصوصی، مثل کسی که مال یتیمی را غصب کرده یا امینی که در امانتی خیانت کرده است.

زندان جنایی

به نظر می‌رسد منظور، موردی است که فرد به عنوان مجازات، محبوس می‌شود. البته مثالی که مصنف برای آن می‌زند با این هدف تطابق ندارد. او به روایتی از حضرت علی علیه السلام استناد می‌کند که ایشان چهار نفر را که در حال مستی با چاقو همدیگر را مورد حمله و ضرب قرار داده و شکم یکدیگر را پاره کرده بودند، به زندان انداخت تا به حال عادی بازگردند.

وی می‌افزاید که فرق دو نوع اول بر ما مشخص نشده و بهتر بود که آنها را در یک دسته می‌گنجاند زیرا برخی از زندانیان فقط برای یک حق الله صرف، مثل زن مرتده به زندان می‌افتند که معلوم نیست آیا این از مصادیق نوع سوم است یا خود نوع مستقلی است.

ایشان همچنین به زندان سیاسی اشاره می‌کند که در نوشته‌های وائلی به آن اشاره شده است. به نظر ایشان دو گونه می‌توان در این مورد نظر داد: یکی اینکه بگوییم: زندان سیاسی از مصادیق نوع سوم است که باعث تضییع حقوق عمومی شده است و

یا اینکه زندانی کردن به استناد چنین جرمی بدعت است و مخالف آزادیهای مردم و نهایتاً معتقد است که سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، شاهد زنده این مطلب است.

انواع زندان در آیین نامه‌های زندانها

در کشور ایران مطابق آیین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مصوب ۱۳۷۲، زندانها بطور کلی شامل بازداشتگاه و زندان بود که نوع اخیر زندان محکومان یا زندان به معنی اخص کلمه - بر سه نوع طبقه بندی شده بود: زندان بسته، زندان نیمه باز (نیمه بسته) و زندان باز (مواد ۸-۴ آیین نامه ۷۲). اما در آیین نامه‌های بعدی تحت عنوان «آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» مصوب ۱۳۸۰/۴/۳۱ و ۱۳۸۴/۹/۲۰ با حفظ شکل کلی تقسیم بندی سابق، انواع دیگری نیز به زندان به معنی اخص کلمه یعنی زندان محکومان اضافه شده است. در ماده ۵ آیین نامه ۱۳۸۰ آمده بود:

زندانها به شرح مواد آتی به زندان بسته، زندان نیمه باز، زندان باز و مجتمعهای حرفه آموزی و کاردرمانی «اردوگاه» تقسیم می‌شوند.

هرچند در این ماده، به چهار نوع زندان اشاره شده بود، ولی با توجه به ملاکهای متعدد و مواد دیگر آیین نامه مزبور می‌توان چند نوع تقسیم بندی از زندانهای مذکور در مواد مختلف آن ارائه داد.

همچنین در ماده ۵ آیین نامه زندانها سال ۱۳۸۴ بیان شده است:

زندانها به زندان بسته، مراکز حرفه آموزی و اشتغال که خود شامل مؤسسه‌های حرفه آموزی و کاردرمانی «اردوگاه» است، تقسیم می‌شوند.

در این ماده بر خلاف ماده ۵ آیین نامه سابق، زندانها به دو دسته کلی تقسیم شده‌اند، ولی برابر مواد دیگر این آیین نامه، انواع دیگری از زندانها یا مراکز شبیه زندان وجود دارند. در سال ۱۳۸۵، آیین نامه‌های جدیدی به تصویب رسیده که در آنها بازداشتگاه نیز به طبقاتی تقسیم گردیده است. بر این اساس، در نظام زندانهای کشور سه نوع بازداشتگاه وجود دارد:

- «بازداشتگاه عمومی»، موضوع آیین نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴؛

- «بازداشتگاه امنیتی»، موضوع آیین نامه بازداشتگاههای امنیتی به تاریخ ۱۳۸۵/۸/۳۰؛

- «بازداشتگاه موقت»، موضوع آیین نامه بازداشتگاههای موقت مورخ ۱۳۸۵/۸/۳۰.

بر اساس آیین نامه های زندان، سه نوع تقسیم بندی از زندانها قابل ارائه است:

تقسیم بندی بر اساس علت یا موجب زندانی شدن؛

طبقه بندی شخصی یا تقسیم زندان بر اساس نوع زندانیان؛

طبقه بندی امنیتی که نشانگر شدت مجازات یا جرم و در نتیجه میزان مراقبت

لازم برای جلوگیری از فرار زندانی است.

طبقه بندی زندانها بر اساس علت یا موجب زندانی شدن افراد

به طور کلی افراد به دو علت ممکن است وارد زندان شوند:

۱- توقیف یا بازداشت، به دلیل صدور قرار بازداشت موقت یا در نتیجه سایر

قرارها برای تأمین حضور فرد در مرجع قضایی؛

۲- محکومیت به کیفر.

در این صورت یا محکومیت فرد حبس است که پس از قطعیت رأی فوراً به

زندان محکومان گسیل می شود؛ یا محکومیت فرد کیفرهایی غیر از حبس است. در

چنین صورتی، تقدم با اجرای محکومیت اصلی است، ولی در صورتی که موانعی

برای اجرای فوری محکومیت اصلی وجود داشته باشد، آنگاه محکوم علیه تا زمان

رفع مانع یا بدل از محکومیت اصلی (مثل جریمه نقدی) به زندان یا بازداشتگاه

معرفی می گردد. در نتیجه، می توان گفت که زندانها بر اساس علت یا موجب

زندانی شدن فرد، قابل تقسیم به بازداشتگاه و زندان محکومان هستند. زندان

محکومان نیز به نوبه خود، شامل محکومان به حبس و محکومان دیگری است که به

دلایل خاص قانونی در زندان به سر می برند. دسته بندی زندانها بر اساس علت یا

موجب زندانی شدن فرد، در دو قسمت ذیل مورد بحث قرار می گیرد.

بازداشتگاه و افراد قابل پذیرش در آن

بازداشتگاه، نوعی زندان به معنی اعم کلمه است؛ زیرا قبلاً اشاره شد که زندان به معنی

اخص کلمه، ویژه نگهداری محکومان به مجازات حبس می باشد. تفکیک متهمان از

محکومان، یکی از آثار تفکرات جدید حقوق کیفری و به دنبال آن، جرم شناسی است.

همچنین در مقررات بین المللی و اسناد الزام آور، بر این جدایی تأکید شده است،

مثل بند ب ماده ۸ مقررات حداقل استاندارد رفتار با زندانیان که مقرر می دارد:

زندانان محاکمه نشده از زندانیان محکوم جدا نگهداشته می شوند (کرسی حقوق بشر،

۱۳۸۱: ۲۵۱/۱).

بازداشتگاه، در حال حاضر در مقررات قانونی ایران، به سه نوع تقسیم شده است:

بازداشتگاه امنیتی، بازداشتگاه موقت و بازداشتگاه عمومی.

بازداشتگاه امنیتی

برابر ماده یک آیین نامه نحوه اداره بازداشتگاههای امنیتی، مصوب ۱۳۸۵/۸/۳۰:

بازداشتگاه امنیتی محل نگهداری متهمانی است که به لحاظ حساسیتهای امنیتی و

نظامی و با قرار کتبی مقامهای صلاحیتدار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا

معرفی می شوند و تحت نظر سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور... اداره خواهند شد.

طبق ماده ۷ این آیین نامه، ایجاد و اداره چنین بازداشتگاههایی - که معمولاً در

زندان مرکزی هر استان ایجاد می شود (ماده ۳) - مطابق مقررات این آیین نامه بوده،

ولی استانداردهای نگهداری، نحوه مدیریت و ارائه خدمات در آنها تابع آیین نامه

زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴ خواهد بود (ماده ۵). همچنین برابر ماده ۷ آیین نامه

بازداشتگاههای امنیتی، محاکم و مراجع قضایی مکلفند که از معرفی متهمان مشمول

این آیین نامه، به مراکز خارج از نظارت سازمان خودداری نمایند، در غیر این

صورت مرتکب تخلف شده اند، ولی ضمانت اجرای چنین تخلفی بیان نشده و

تکلیف مأموران زندان نیز در چنین مواردی مشخص نگردیده است.

علاوه بر مقامات سازمان زندانها، برابر ماده ۲ آیین نامه مزبور، قاضی رسیدگی کننده

به پرونده متهم و دادستان یا نماینده وی، بر امور این بازداشتگاهها نظارت داشته و

مقامات اخیرالذکر مکلفند هر پانزده روز یک بار از آنها بازدید کرده و به رئیس قوه

قضائیه گزارش نمایند.^۱ متأسفانه، ضابطه و نوع افراد قابل نگهداری در اینگونه بازداشتگاهها، در آیین نامه، مشخص نگردیده که می تواند باعث شود هر جرمی که یک طرف آن نهادی مذکور در بند «ب» ماده یک این آیین نامه بوده یا به آن مربوط گردد امنیتی تلقی شده و باعث سختگیری بی جا برای متهمان شود.

بازداشتگاه موقت

این نوع بازداشتگاه نیز در سال ۱۳۸۵ و به موجب آیین نامه اجرایی بازداشتگاههای موقت، مورخ ۱۳۸۵/۸/۳۰ به وجود آمده و با حفاظت معمولی -عدم احداث برجهای دیده بانی و استفاده از سیم خاردار در اطراف آن (ماده ۱۲)- تحت نظر سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مخصوص نگهداری متهمانی است که صدور قرار تأمین به بازداشت آنها منجر شده باشد (مواد ۱ و ۲).

چند نکته قابل ذکر در این مورد وجود دارد: یکی اینکه بازداشتگاه، به طور کلی، محلی برای نگهداری موقت متهمان و افراد بلام تکلیف است و نگهداری بیش از حد و طولانی در آنها، خلاف مقررات کلی و عمومی است. گویا قوه قضائیه قصد داشته تا بدین وسیله بین افرادی که صرفاً به خاطر عدم توانایی در پرداخت یا تأمین وثیقه و معرفی کفیل در بازداشت به سر می برند و کسانی که به دلایل دیگر در بازداشت هستند، تفکیک قائل شده و برای دسته اول امتیازات بیشتری قائل گردد؛ زیرا حداکثر نگهداری چنین افرادی -افراد تحت قرار- سی روز بوده و پس از آن در صورت عدم تعیین تکلیف به بازداشتگاه عمومی اعزام می شوند (تبصره یک ماده ۲). البته نگهداری بیش از سی روز نیز طبق نظر شورای تشخیص این بازداشتگاه -متشکل از قاضی ناظر، رئیس بازداشتگاه، مسئول بهداشت و درمان و مددکار اجتماعی (ماده ۳)- امکان پذیر می باشد.

برابر ماده ۷ آیین نامه بازداشتگاههای موقت، در هر حوزه قضایی که چنین بازداشتگاهی ایجاد شده باشد، زندانها و بازداشتگاههای عمومی از پذیرش متهمان

۱. مکلف کردن رئیس قوه قضائیه به گزارش دادن، حاکی از اهمیت مسئله و عمق مشکلاتی است که در این زمینه ها وجود دارد.

مشمول این آیین نامه در آن حوزه ممنوع اند، مگر اینکه بنا به تشخیص مدیر کل زندانهای استان، ظرفیت اسمی چنین محلهایی پر شده باشد که در این صورت پذیرش افراد شایسته نگهداری در بازداشتگاه موقت، در بازداشتگاه عمومی نیز مجاز می شود.

به صراحت ماده ۸ متهمان جرایم مواد مخدر، سرقت مسلحانه، اقدام علیه امنیت کشور، آدم ربایی، قتل عمدی، ایراد ضرب و جرح با چاقو، ورود به عنف، افراد شرور و دایر کنندگان مراکز فساد و فحشا از شمول ماده فوق -یعنی از عدم امکان پذیرش در بازداشتگاه عمومی- مستثنی هستند. شورای تشخیص نیز می تواند از پذیرش برخی افراد که اتهام آنها، یکی از موارد فوق نیست، ولی نگهداری آنها در بازداشتگاه موقت به مصلحت نباشد جلوگیری نماید.

نکته دیگر اینکه بازداشتگاه موقت، از لحاظ لفظی دارای اشکال ادبی است؛ زیرا موقتی بودن اقامت در خود لفظ بازداشتگاه مستتر است. این تفکیک می توانست با طبقه بندی افراد بازداشت شده، در بندها یا قسمتهای مختلف بازداشتگاه انجام شود و نیازی به ایجاد بازداشتگاهی با این وصف نبود.

نکته سوم اینکه، دلیل مشخصی در استثنای برخی افراد از ورود به این بازداشتگاه به دست داده نشده؛ زیرا بسیاری از جرایم مهم هستند که اهمیت و خطرناکی آنها از جرایم مذکور در ماده ۸ آیین نامه کمتر نیست، ولی ذکری از آنها نشده است. از طرفی علی رغم ذکر تعداد زیادی از استثنائات، در پایان ماده، اختیار کلی به شورای تشخیص داده شده تا هر کس دیگر را در این مکانها پذیرش نماید. در حالی که برای رفع این دوگانگی می توانست تشخیص استحقاق پذیرش افراد، در این بازداشتگاه به طور کلی بر عهده شورای تشخیص قرار گیرد، هر چند آن نیز می توانست مواردی از تبعیض را به وجود آورد که احتمال آن اکنون نیز وجود دارد. همین ایرادات در مورد بازداشتگاههای امنیتی نیز مصداق دارد. مضاف بر اینکه اصولاً نیازی به آیین نامه های مستقل نبود و مواد مربوط می توانست در شکل اصلاحیه به آیین نامه اصلی الحاق گردد.

بازداشتگاه عمومی

این بازداشتگاه، موضوع ماده ۴ آیین نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴ می باشد که

مخصوص نگهداری متهمان، غیر از اشخاص زیر ۱۸ سال تمام است که در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند و نیز متهمان مواد مخدر و اعتیاد که در اردوگاه پذیرش می‌گردند.

متهمان، شامل افراد تحت قرار هستند که بلا تکلیف یا منتظر محاکمه‌اند و افرادی که در حال محاکمه بوده، اما آزادی آنها بنا به دلایلی، مثل سنگینی جرم، داشتن حالت خطرناک و لامکان بودن و غیره، قبل از صدور حکم قطعی امکان‌پذیر نیست.^۱ بنابراین افرادی که محکومیت یافته، ولی هنوز محکومیت آنان، مطابق مقررات قانونی قطعیت نیافته، متهم فرض شده و در بازداشتگاه نگهداری می‌شوند و از این حیث، تابع مقررات مربوط به متهمان می‌باشند، مثل نوع لباس،^۲ نحوه ارتباط با خارج از زندان؛ یعنی ملاقات یا مکاتبه (تبصره ماده ۱۸۰)، مرخصی (ماده ۲۲۷) و مانند آن.

برابر ماده ۱۴ آیین‌نامه ۱۳۷۲:

بازداشتگاه، محل نگهداری متهمانی است که تحت تعقیب بوده و طبق حکم غیر قطعی یا قرار کتبی مقامات صلاحیت‌دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی در آنجا بازداشت می‌باشند.
تبصره: متهمان در صورت امکان، شبها به صورت انفرادی نگهداری می‌شوند، مگر اینکه در قرار مقام قضایی، خلاف آن تصریح شده باشد.

به نظر می‌رسد که عبارت «تحت تعقیب بوده» در ماده ۱۴ آیین‌نامه سابق اضافی باشد؛ چرا که اگر فردی تحت تعقیب نباشد، متهم محسوب نمی‌گردد و به زندان راه

۱. برای اطلاع بیشتر از موارد و دلایل قانونی، برای بازداشت و همچنین موادی که بر اساس آنها بازداشت فرد الزامی است، به مواد ۳۲ و ۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸ و همچنین ماده ۱۳۸ همین قانون در مورد بازداشت به دلیل عجز از معرفی کفیل یا وثیقه مراجعه شود.

۲. برابر ماده ۹۳ آیین‌نامه زندانها، مصوب ۱۳۷۲، هر زندانی به محض ورود به زندان مکلف به پوشیدن لباس زندانی بود و طبق ماده ۹۴ همین آیین‌نامه نیز متهمان با نصب علامتی روی لباس آنها از محکومان متمایز می‌شدند. اما در حال حاضر طبق ماده ۹۰ آیین‌نامه ۱۳۸۴، پوشیدن لباس مخصوص زندانی اجباری نیست، مگر به تشخیص سازمان زندانها. هر چند تصویب ماده اخیر گامی در جهت رعایت بیشتر حقوق زندانیان بوده، اما به نظر می‌رسد با واگذاری تشخیص ضرورت استفاده از لباس بر عهده سازمان و بدون تعیین مقام مربوط و نیز معیارهای آن، راه برای تبعیض و احیاناً سوء استفاده باز شود.

نمی‌یابد. همچنین باید اضافه کرد که مطلب مندرج، در تبصره این ماده نیز از نظر سیاست اداره زندان، خصوصاً بعد از تکالیفی که بر عهده سازمان زندانها می‌گذاشت و همچنین از نظر تأثیر منفی نگهداری افراد به طور مجرد، قابل انتقاد بود. این تبصره، زندانها را مکلف می‌کرد تا متهمان را شبها، به صورت مجرد نگهداری کنند، مگر اینکه مقام قضایی، خلاف آن را تصریح کرده باشد؛ بهتر بود نگهداری مجرد را که خلاف اصل است، منوط به تصریح مقام قضایی می‌کرد؛^۱ چرا که لزومی به نگهداری مجرد همگی متهمان وجود ندارد، مگر اینکه علت خاصی آن را اقتضا کند که در این صورت، مقام قضایی باید به آن تصریح نماید. همچنین اگر نگهداری مجرد متهمان به دلایل خاصی لازم است، چرا این مطلب در روز رعایت نشود؛ زیرا از مفاد این تبصره بر نمی‌آید که در روز نیز در مکانهای مجرد نگهداری می‌شوند. از اینها گذشته، بار اقتصادی اجرای چنین تکلیفی با توجه به تعداد زیاد متهمان سنگین بود و سازمان زندانها را به داشتن سلولهای مجرد زیادی مکلف می‌کرد.

ایرادات مزبور با تصویب ماده ۴ آیین‌نامه‌های سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۴ برطرف گردید؛ زیرا ماده مزبور با ارائه تعریفی دقیق‌تر از بازداشتگاه تبصره قبلی، دال بر نگهداری الزامی و به صورت مجرد متهمان را نیز به همراه ندارد. بر اساس این ماده: بازداشتگاه، محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقامهای صلاحیت‌دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند.

بدین ترتیب، اگرچه تعریف جدید بازداشتگاه، در مواد ۴ آیین‌نامه‌های زندان مربوط به سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۴، برخی ایرادات موجود در ماده ۱۴ آیین‌نامه سال ۱۳۷۲ را ندارد، اما بر خلاف این ماده، به کسانی که محکوم شده، ولی حکم آنان قطعیت نیافته اشاره‌ای ندارد. به گونه‌ای که قبلاً گفته شد از آنجا که اینگونه افراد نیز بازداشتی محسوب می‌شوند، بهتر بود به محل نگهداری آنان در بازداشتگاه تصریح می‌گردید.

۱. در جای دیگر توضیح داده شد که در نگهداری افراد در زندان اصل بر این است که صرفاً آزادی رفت و آمد آنها محدود گردد؛ لذا هر محدودیت یا تحمیل اضافی اگر در قانون و حکم قاضی صلاحیت‌دار به آن تصریح نشده باشد، فاقد مشروعیت بوده و قطعاً از مفهوم مجازات حبس خارج است (برای اطلاع بیشتر، ر.ک: حاجی تبار، ۱۳۸۶: دیباچه دکتر علی صفاری).

برابر تبصره یک این ماده، تا زمان تأسیس بازداشتگاه موضوع ماده مزبور، محل جداگانه‌ای برای متهمان در زندانها در نظر گرفته می‌شود. در این تبصره، تأکید شده که نگهداری متهمان و محکومان در یک مکان ممنوع است. علی‌رغم این تصریح و نیز بیان این قاعده کلی در مقررات بین‌المللی، بلافاصله در تبصره دوم ماده مزبور «آیین‌نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴» آمده است که می‌توان محکومان به حبسهای کوتاه‌مدت تا شش ماه را در بازداشتگاه موضوع این ماده نگهداری کرد. صرف نظر از اینکه تبصره مزبور، با صراحت قسمت اخیر تبصره یک ماده ۴ تعارض آشکار دارد و شش ماه حبس نیز مدت کوتاهی نیست؛ هر چند تشخیص این امر عرفی است، اما اصل این مطلب از سه جهت قابل نقد به نظر می‌رسد:

یکی اینکه چون افراد موضوع این تبصره، علی‌رغم اینکه محکومیت حاصل کرده‌اند، به زندان به معنی اخص کلمه وارد نمی‌شوند؛ پس نگهداری آنها در بازداشتگاه، برخلاف صریح ماده ۳ بوده و با هدف مذکور در آن نیز هماهنگی ندارد؛ زیرا در بازداشتگاه، به خاطر اینکه اغلب ساکنان آن موقتی بوده و هر آن، ممکن است آزاد شوند، معمولاً از برنامه‌های اصلاحی و آموزشی خبری نیست. به همین دلیل است که در تبصره ماده ۷ آیین‌نامه، تصریح شده است که سازمان می‌تواند نه اینکه باید. برنامه‌های حرفه‌آموزی، آموزش و اصلاح را در مورد متهمان نیز اجرا نماید. چنین قسمتی ممکن است دارای جنبه ترساننده نیز نباشد و به خاطر عدم سختگیری برای اغلب ساکنان آن که متهمان بوده و هنوز مجرمیت آنان ثابت نشده است، افراد محکوم به حبس کوتاه‌مدت، عملاً مدتی از عمر خود را در زندان تلف کنند، بدون اینکه هدف خاصی از تنبیه آنان به دست آمده باشد.

دوم اینکه، چنین تمهیدی برخلاف سیاستهای زندان‌زدایی اعلام شده از سوی قوه قضائیه و دولت جمهوری اسلامی است و وجود محل‌هایی برای نگهداری زندانیان محکوم، به حبسهای کوتاه‌مدت می‌تواند عاملی تشویق‌کننده، برای قضات در جهت استفاده از چنین حبس‌هایی باشد. در حالی که به نظر می‌رسد فقدان محل کافی برای چنین افرادی و اعلام مکرر آن به نهادهای تعیین‌کننده مجازات، می‌تواند در کاهش سطح استفاده از زندانهای کوتاه‌مدت مؤثر واقع شود.

سوم، به طوری که بعداً در بحث طبقه‌بندی زندانیان نیز اشاره خواهد شد، برابر بند «ب» ماده ۸ «مقررات حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان»، در دنیا تفکیک متهمان از محکومان جزء حداقل حقوق پذیرفته شده برای زندانی است که دلایل خاص خود را دارد، بنابراین نگهداری محکومان - حتی با محکومیت کم یا کوتاه‌مدت - در بازداشتگاه و در کنار متهمان، با این اصل پذیرفته شده بین‌المللی مغایر و غیر قابل توجیه است.

همچنین به نظر می‌رسد که در ماده مزبور، جای یک تبصره دیگر خالی است و آن، تصریح به اینکه نگهداری سایر افراد محکوم به مجازاتهای دیگر، مثل جریمه نقدی، اعدام یا شلاق که موقتاً در حالت انتظار برای اجرای حکم در زندان به سر می‌برند، در کدام محل خواهد بود، زندان یا بازداشتگاه؟ آنچه مسلم است اینکه محل نگهداری چنین افرادی به دلایل متعدد، باید از بازداشتگاه و زندان سایر متهمان و محکومان جدا باشد؛ زیرا چنین افرادی نه متهم محسوب می‌شوند و نه محکوم به حبس هستند تا در یکی از این دو محل نگهداری گردند.

منظور از محکومان مورد بحث، تنها کسانی نیستند که در اجرای ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، مصوب ۱۳۷۷ مجلس شورای اسلامی به دلیل عدم پرداخت جریمه در حبس به سر می‌برند، بلکه در اینجا منظور کسانی نیز هستند که مانند محکومان بدهکار، یا محکومان به سایر کیفرها، به دلایل دیگری، هنوز حکم آنها اجرا نشده است و به همین دلیل در زندان به سر می‌برند تا کیفر یا محکومیت اصلی آنان به اجرا درآید. تکلیف افراد موضوع ماده ۱ و ۲ قانون مزبور؛ یعنی افرادی که پس از قطعیت حکم، قادر یا مایل به پرداخت جریمه یا محکومیت مالی نیستند و در نتیجه، به زندان معرفی می‌گردند، در مواد ۸ و ۱۰ آیین‌نامه سال ۱۳۸۰ مشخص شده بود، اگرچه ایراداتی از لحاظ اجرایی به آن نیز وارد بود که در جای خود مطرح خواهد شد. در این آیین‌نامه، به محل نگهداری سایر محکومانی که منتظر اجرای سایر احکام کیفری بودند نیز تصریح نشده بود.

قبلاً اشاره شد که زندان به معنی اخص کلمه، محل نگهداری محکومان به حبس است؛ یعنی کسانی که به موجب قانون و حکم دادگاه صالح (اصل ۳۶ قانون اساسی)، به مجازات حبس محکوم شده و محکومیت آنها قطعی گردیده و شروع به

اجرای آن شده باشد. اینگونه محکومان، جز محکومان به جرایم مواد مخدر (که به موجب ماده ۱۲ آیین‌نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴، در مؤسسه کاردرمانی یا اردوگاه نگهداری می‌شوند) و اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال تمام (که به موجب ماده ۱۷ همان آیین‌نامه، در کانون اصلاح و تربیت پذیرش می‌شوند) و نیز محکومان به حبس کوتاه‌مدت تا ۶ ماه (که ممکن است طبق تبصره ۲ ماده ۴ آیین‌نامه مزبور، در بازداشتگاه نگهداری گردند)، مطابق مقرراتی که ذیلاً بحث خواهد شد و برابر تشخیص شورای طبقه‌بندی زندان، با توجه به نوع و میزان محکومیت، پیشینه کیفری و غیره (ماده ۸، ۱۳ و ۶۹ آیین‌نامه) در یکی از انواع زندانهای بسته یا مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال که مؤسساتی بسته، نیمه‌بسته یا باز هستند (ماده ۷ آیین‌نامه) محکومیت خود را سپری می‌نمایند.

کسانی که به مجازاتهای غیر زندان مثل جریمه نقدی، اعدام و یا شلاق محکوم شده و منتظر اجرای حکم هستند، همانند محکومان به حبس، پس از قطعیت حکم، محکوم نامیده می‌شوند، اما باید بین آنها و محکومان به زندان تفاوت قائل شده و اصولاً در محل متفاوتی در زندان و در صورت امکان در زندان جداگانه یا حتی در محلی غیر از زندان محکومان به ارتکاب جرم نگهداری شوند. حتی به نظر می‌رسد که مقررات نگهداری آنها و ارتباط با خارج از زندان (مرخصی، ملاقات و مکاتبه) نیز باید در مورد اینگونه محکومان با محکومان به حبس متفاوت بوده و برخی، از آزادی بیشتری برخوردار باشند، خصوصاً در مواردی که افراد اصالتاً به جریمه نقدی محکوم شده یا به جای حبس، به جریمه نقدی یا مجازات دیگری، غیر از زندان محکوم می‌شوند و هدف اصلی از تبدیل مجازات جلوگیری از زندانی شدن فرد بوده است. در نتیجه زندانی کردن کسی که سزاوار کیفر حبس تشخیص داده نشده، دارای توجیه قوی اخلاقی و حتی حقوقی نیست. در عین حال از دیدگاه تهیه‌کنندگان آیین‌نامه سال ۱۳۸۰ زندانها، محکومان به جریمه نقدی و بددهکاران مستنکف یا ناتوان که به دستور دادگاه و در اجرای درخواست طلبکار، توقیف می‌شدند نیز مثل محکومان به حبس، در یکی از زندانهای نیمه‌باز یا باز پذیرش شده و در آن نگهداری می‌شدند. این در حالی است که ملاک چنین تبعیضی در مواد ۸

و ۱۰ آیین‌نامه نیز به روشنی بیان نگردیده بود و همان گونه که به زودی مطرح خواهد شد، نه تنها در مقایسه با سایر ملاکهای موجود، برای محکومان به حبس تعارضاتی در آن مشاهده می‌شد که می‌توانست در عمل مشکل‌آفرین گردد، بلکه در عمل سبب تبعیض آشکار نیز می‌گردید؛ چرا که یک محکوم به جریمه نقدی یا یک زندانی موضوع ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی، مصوب ۱۳۷۷ مجلس شورای اسلامی هم قابل پذیرش در زندان باز بود و هم می‌توانست در زندان نیمه‌بسته پذیرش و نگهداری گردد و هیچ ملاکی برای این تفاوت، ذکر نشده بود.

در آیین‌نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴، وضع از این هم بدتر شده است؛ زیرا در این آیین‌نامه به طور صریح و آشکار، تکلیف افراد بازداشت‌شده، به منظور اجرای احکامی مثل شلاق یا اعدام و کسانی که به جای جریمه نقدی یا سایر محکومیتهای مالی، زندانی می‌شوند مشخص نگردیده است (جز اشاره‌ای گذرا در تبصره ماده ۳۶) و بنابراین شورای طبقه‌بندی می‌تواند بر اساس مواد ۸ و ۱۳ و ۶۹ آیین‌نامه زندانها، آنها را در یکی از انواع زندان بسته، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و حتی بازداشتگاه (به موجب قسمت اخیر تبصره ۲ ماده ۴ آیین‌نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴) جای دهد، مگر اینکه در حکم محکومیت آنها، ترتیب دیگری مقرر شده باشد. این امر قابل نقد است؛ زیرا وقتی یک فرد به کیفر غیر حبس محکوم می‌شود، مراد این است که مستحق حبس نبوده یا نیازی به آن نداشته، لذا بهتر است اینگونه افراد در محل دیگری جدای از سایر زندانیان نگهداری شده یا به طرق دیگری، مثل فروش یا بازداشت اموال، ضبط قسمتی از درآمد و غیره، مجبور به ادای جریمه یا دیون خود شوند. بنابراین نه تنها زندانی کردن چنین افرادی، فاقد توجیه قوی کیفرشناختی و حتی حقوقی است و برابر منابع حقوق اسلامی نیز دارای توجیه قوی و قابل قبولی نیست «و إن كان ذو عسرةٍ فَنظرةٌ إلىٰ ميسرةٍ» (بقره / ۲۸۰؛ نیز ر.ک: طبسی، ۱۳۸۲: ۵۵۱)، بلکه بر خلاف بند «ج» ماده ۸ «مقررات حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان» (کرسی حقوق بشر... همان)، مبنی بر نگهداری محکومان مالی در جایی کاملاً جدا از افراد محکوم به جرایم نیز می‌باشد.^۱

۱. برای بحث تفصیلی از مغایرت قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی، مصوب ۱۳۷۷ و بازداشت محکومان مالی با اسناد و تعهدات بین‌المللی، ر.ک: زمانی، ۱۳۸۵: ۷۱-۸۷.

حتی در آیین نامه طبقه بندی زندانیان، مصوب ۱۳۸۵/۹/۹ نیز این مشکل رفع نشده و در مواد ۷ و ۸ آن ضمن طبقه بندی برخی دسته های خاص محکومان و تفکیک آنها در زندانهای با ظرفیت بالای ۷۰۰ نفر (ماده ۷) و زیر ۳۰۰ نفر، نگهداری بدهکاران را در کنار محکومان جرایم مالی و اقتصادی، ضرب و جرح عمدی، زنا و لواط و جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی قرار داده است.

مستفاد از ماده ۲۲ آیین نامه مزبور، نگهداری متهمان نظامی نیز که با قرار و یا حکم مراجع قضایی بازداشت می شوند، بر عهده سازمان زندانهاست و در بازداشتگاههای عمومی نگهداری می شوند، ولی به نظر می رسد که تفکیک داخلی آنها از سایر زندانیان، خلاف آیین نامه نبوده، بلکه جهت رعایت شئون شغلی، ضروری نیز باشد. لازم به یادآوری است که طبق ماده ۱۰ «آیین نامه نحوه تفکیک و طبقه بندی زندانیان» مورخ ۱۳۸۵/۹/۹ زندانیان نظامی و روحانی جدا از دیگر زندانیان نگهداری می شوند.

برابر تبصره ماده ۲۲، بازداشتگاههای انضباطی نیروهای مسلح و انتظامی، از شمول این آیین نامه خارج است، لذا افراد نظامی که برابر آیین نامه های انضباطی مربوط به عنوان تنبیه، بازداشت می شوند، در بازداشتگاههای مربوط، در نیروهای متبوع نگهداری می شوند و تابع مقررات مندرج در آیین نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴ نمی باشند.

زندان محکومان و افراد قابل نگهداری در آن

نوع دیگر زندان، در این تقسیم بندی، زندان محکومان یا همان زندان به معنی اخص کلمه است که برابر ماده ۳ آیین نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴، محلی برای نگهداری محکومان قطعی با معرفی مقامات ذی صلاح، برای مدت معین یا دائم، به منظور تحمل کیفر با هدف حرفه آموزی، بازپروری و بازسازی است. این نوع زندان با توجه به نوع زندانیان و میزان حبس یا همان شدت مجازات و نیز نوع جرم ارتكابی دارای انواعی است که در قسمتهای بعدی با جزئیات کامل مورد بحث قرار خواهند گرفت.^۱

۱. برابر این تقسیم بندی، می توان دسته بندیهای دیگری نیز از زندان ارائه داد، مثل تقسیم بندی آن به زندان زنان و مردان، محکومان سیاسی، زندان محکومان نظامی، زندان محکومان جوان و بزرگسال و امثالهم، اما این نوع تفکیک، بیشتر در بحث طبقه بندی زندان مطرح می شود و در آیین نامه زندانها نیز به چنین تفکیکی جز در مورد زندانیان نظامی و روحانی اشاره نشده است.

طبقه بندی زندان بر مبنای شخص زندانی (تقسیم بندی شخصی)

مطابق آیین نامه زندانها، مصوب ۱۳۸۰، این دسته خود دارای چهار زیرمجموعه بود:

- ۱- مجتمع حرفه آموزی و کاردرمانی (اردوگاه) موضوع ماده ۱۴ و مخصوص نگهداری متهمان و محکومان مواد مخدر و اعتیاد؛
- ۲- کانون اصلاح و تربیت، موضوع ماده ۱۹، ویژه نگهداری اطفال و نوجوانان بزهکار زیر ۱۸ سال؛
- ۳- مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی، برابر ماده ۱۶، برای نگهداری متهمان و محکومانی که قبل، بعد یا ضمن اجرای کیفر دارای حالت خطرناک باشند؛
- ۴- زندانهای مخصوص سایر افرادی که به موجب حکم دادگاه، محکومیت به حبس می یافتند یا در اجرای برخی از قوانین و مقررات خاص -مثل قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی، مصوب ۱۳۷۷- به جای سایر کیفرها یا برای فراهم شدن زمینه یا هنگام اجرای آنها در زندان نگهداری می شدند.

اینگونه مراکز یا زندانها را می توان تحت عنوان زندانهای محکومان عمومی یا عادی و محکومان مالی نشان داد. در حال حاضر با اندک تغییری در آیین نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴، همین دسته بندی حفظ شده؛ یعنی مرکز یا مؤسسه های حرفه آموزی و کاردرمانی (اردوگاه) در تقسیم بندی جدید، زیرمجموعه نوعی زندان عادی به نام مراکز حرفه آموزی و اشتغال قرار گرفته و نام محکومان مالی نیز بر خلاف مواد ۸ و ۱۰ آیین نامه سابق، در آیین نامه جدید ذکر نشده و بعداً در آیین نامه مستقلی تحت عنوان آیین نامه نحوه تفکیک و طبقه بندی زندانیان، مصوب ۱۳۸۵/۹/۹، نام اینگونه محکومان در کنار برخی محکومان جنایی برده شده است (ماده ۷ و ۸ آیین نامه). به نحوی که ملاحظه خواهد شد، هرچند این تغییرات جزئی تأثیری ماهوی، در این نوع تقسیم بندی از زندانها ایجاد نمی کند، ولی از لحاظ انطباق و همراهی با آیین نامه جدید، تغییرات مزبور در اینجا در نظر گرفته شده اند. بدین ترتیب، برابر آیین نامه ۱۳۸۴، می توان زندانها را بر اساس شخص زندانی، به چهار دسته اصلی به شرح ذیل تقسیم کرد:

مؤسسه های حرفه آموزی و کاردرمانی (اردوگاه)

مؤسسه های حرفه آموزی و کاردرمانی، برابر ماده ۱۲ آیین نامه ۱۳۸۴ زندانها که قبلاً به

مجتمع حرفه آموزشی و کاردرمانی، موضوع ماده ۱۴ آیین‌نامه زندانها، مصوب ۱۳۸۰ موسوم بود، مخصوص نگهداری محکومان و متهمان جرایم مواد مخدر و اعتیاد است.^۱

۱. پیش‌بینی ماده ۱۴ مذکور، در آیین‌نامه سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۴ بسیار به جاست؛ زیرا اجرای مواد ۲۰ و ۱۲۰ آیین‌نامه زندانها، مصوب ۱۳۷۲، مبنی بر اعزام و نگهداری متهمان و محکومان معتاد، به محللهایی موسوم به مراکز بازپروری معتادان، با اشکال مواجه بود، ولی به نظر می‌رسد اشکال مزبور در حال حاضر رفع شده باشد. علی‌رغم تصریح ماده ۴۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۶۷ و الحاق موادی به آن، مصوب آبان‌ماه ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام، به مجاز بودن قوه قضائیه برای نگهداری برخی از محکومان، موضوع قانون مذکور در اردوگاههای خاص و به تعبیر مقنن «با شرایط عادی و سخت» و همچنین تصریح تبصره ۲ همین ماده، به اینکه دادگاهها می‌توانند برخی از محکومان موضوع قانون مورد بحث را به جای حبس، به اقامت در اردوگاههای مذکور در صدر ماده ۴۲ محکوم نمایند، اما ظاهراً برخی از قضات محترم دادگاه انقلاب، صدور حکم به محکومیت مرتکبان موضوع قانون مواد مخدر و حتی اعزام آنها به اردوگاههای یادشده، از سوی سازمان زندانها را خلاف قانون می‌دانستند. این موضوع از سوی ریاست محترم وقت سازمان زندانها (بختیاری)، در اولین کارگاه آموزش سراسری قضات دادگاه انقلاب در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۱، در محل هتل انقلاب تهران مطرح گردید. استدلال مخالفان این بود که طبق نص صریح مواد قانونی، فقط می‌توان مرتکبان جرایم مواد مخدر را به حبس محکوم کرد و معلوم نیست که آیا اردوگاههای موجود، از لحاظ قانون، حبس و زندان به شمار می‌آیند یا نه؟ و از این گذشته در هیچ قانون یا آیین‌نامه‌ای نیز اردوگاه تعریف نشده است. به نظر نگارنده، این اشکال وارد نبود. زیرا اولاً: تبصره ۲ ماده مذکور، حکم به اقامت در اردوگاه به جای حبس را، هرچند به صورت تخییری، با به کار بردن لفظ «می‌توانند»، برای دادگاهها مجاز شمرده بود. ثانیاً: چنانچه این تصریح وجود نمی‌داشت یا دادگاهها از این اختیار استفاده نکرده و حکم به محکومیت افراد به حبس صادر می‌کردند، باز هم پذیرش و نگهداری محکومان معتاد و حتی سایر محکومان به جرایم مواد مخدر، موضوع قانون سال ۷۶، در اردوگاههای کار معتادان، به موجب مجوز مندرج در صدر ماده ۴۲ قانون مزبور و مواد ۲۰ و ۱۲۰ آیین‌نامه زندانها بلاشکال بود؛ زیرا نه تنها طبق نص صریح این ماده، قوه قضائیه و در واقع سازمان زندانها، در مقام مجری احکام زندان، مجاز به پذیرش و نگهداری چنین محکومانی در اردوگاههای تأسیس شده به همین منظور بود، بلکه طبق ماده ۲ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندانها و... به سازمان زندانها و... مصوب ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی پذیرش و طبقه‌بندی و نگهداری محکومان به زندان، از وظایف خاص سازمان زندانهاست و نیازی به تصریح و تصمیم یا حتی نظر مساعد مقام قضایی صادرکننده حکم نیست. چرا که صدور حکم به محکومیت، امری قضایی و از شأن قاضی و قضاوت است، اما اجرای حکم، امری غیر قضایی است هرچند به راهنمایی و نظارت یک قاضی، نه ضرورتاً خود قاضی صادرکننده حکم، نیاز باشد. این در حالی است که سازمان زندانها نیز نهادی وابسته به قوه قضائیه است و رئیس آن معمولاً دارای پایه قضایی است و به موجب ماده ۳ قانون تبدیل شورای... به سازمان... مصوب ۱۳۶۴، توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌گردد. حتی اگر چنین نبود و مثل قبل از انقلاب، اجرای احکام بر عهده قوه مجریه یا دادستان و نماینده او قرار داشت، باز هم نظریه مطرح شده، قابل دفاع بود؛ زیرا قضا و اجرا دو امر متفاوتند.

این مؤسسه‌ها یا مجتمعها، نوعی زندان و به تعبیر دقیق‌تر نوعی مؤسسه شبیه زندان و وابسته به آن هستند که نویسندگان آیین‌نامه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۴ احتمالاً به پیروی از ماده ۴۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۶۷ و الحاق موادی به آن، در سال ۱۳۷۶، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، این نام را برای آن برگزیده‌اند. طبق این ماده، قوه قضائیه مجاز است تا برخی از محکومان موضوع این قانون را در اردوگاههای خاص با شرایط عادی و سخت نگهداری نماید. هرچند - چنانچه به زودی خواهد آمد- گزینش نامهایی از این قبیل، برای نامیدن مراکز نگهداری برخی از محکومان خاص، می‌تواند تحت تأثیر تحولات جدید کیفری، در جهت زندان‌زدایی یا کیفرزدایی از برخی جرایم مثل اعتیاد تلقی گردد، اما با توجه به سیاستهای سختگیرانه دولت جمهوری اسلامی ایران، درباره جرایم مواد مخدر و اعتیاد و نیز در نظر گرفتن نحوه بیان مقنن در ماده مذکور، بعید نیست که نوع خاص از سختگیری یا دست کم نظام متفاوت برای چنین محکومان و متهمانی مد نظر بوده است.

کانون اصلاح و تربیت

به موجب ماده ۱۹ آیین‌نامه زندانها، مصوب ۱۳۸۰ و ماده ۱۷ آیین‌نامه ۱۳۸۴ و مستفاد از ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، کانون اصلاح و تربیت، به نگهداری اطفال و نوجوانان بزهکار کمتر از ۱۸ سال تمام اختصاص داده شده است.

این محل طبق مقررات مربوط، دارای سه قسمت اصلی است:

بازداشتگاه کانون (مخصوص نوجوانان و جوانان توقیف شده یا تحت قرار و بلا تکلیف)؛

زندان (مخصوص نوجوانان و جوانانی که طبق تصمیم دادگاه اطفال، باید در زندان باشند یا مرتکب تخلفی در کانون بشوند)؛

قسمت آموزش (مخصوص کسانی است که به عنوان محکومیت به نگهداری در کانون، با هدف آموزش، به این محل معرفی شده یا طبق نظر مقامات داخلی کانون، برای نگهداری در این قسمت مناسب تشخیص داده می‌شوند).

هرچند مؤسسه‌های حرفه آموزشی و کاردرمانی (اردوگاه) و به طور کلی، مراکز

حرفه‌آموزی و اشتغال، مذکور در مواد ۵ و ۷ آیین‌نامه ۱۳۸۴، همچنین کانون اصلاح و تربیت، شاید به دلایل خاصی، مثل دوری جستن از شبهه برخورد کیفری صرف با برخی از محکومان، مثل معتادان یا نوجوانان و به طور هم‌زمان نشان دادن برخورد متفاوت حکومت با مرتکبان جرایم خاص (به ویژه مواد مخدر) زندان نامیده نشده‌اند، اما از آنجا که هر یک در جهت سلب و محدود نمودن آزادی افراد بخصوصی در نظر گرفته شده‌اند و از طرفی نیز با تعریف زندان به طوری که در ماده ۳ آیین‌نامه زندانها آمده تطابق دارند، لذا به نظر می‌رسد که هر یک، نوعی زندان هستند و از لحاظ مقررات آیین دادرسی، خصوصاً تجدید نظر، مجازات حبس، محسوب می‌شوند.

در اصطلاح دقیق کیفرشناختی، به اینگونه مراکز، مؤسسات زندان‌گونه یا مراکز زندان‌سان^۱ گفته می‌شود. در همین جا، لازم به یادآوری است که هرچند مؤسسات صنعتی و کشاورزی و خدماتی (موضوع ماده ۱۷ آیین‌نامه ۱۳۸۰ و ماده ۱۳ آیین‌نامه ۱۳۸۴ زندانها) نیز دارای همان خصوصیات زندانها هستند، اما نوع مستقلی از زندان به حساب نمی‌آیند؛ زیرا مراکز مزبور، مخصوص نگهداری دسته خاصی از محکومان نیستند، بلکه هر یک از محکومان به زندان می‌توانند با داشتن شرایط مندرج در آیین‌نامه زندانها، به اینگونه مراکز که معمولاً محل استقرار کارگاهها و کارخانجات زندان و مؤسسات وابسته به آن است، اعزام شوند. به عبارت دقیق‌تر، مراکز مزبور از سوی مقنن یا مقامات مجاز دیگر، به عنوان زندان مستقل قلمداد نشده‌اند، بلکه مؤسساتی کمکی بوده و در طول زندان هستند تا در صورت نیاز، از آنها بهره‌برداری شود. البته این مؤسسات تا زمانی مشمول این نظریه هستند که از سوی سازمان زندانها، به عنوان زندان، مورد استفاده قرار نگیرند، چرا که در این صورت آنها نیز نوعی زندان به شمار می‌آیند.

مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی و سایر مؤسسات مشابه و وابسته به زندان
برابر ماده ۱۴ آیین‌نامه ۱۳۸۴ زندانها، این مراکز محلهایی هستند که:
در آنجا متهمان و محکومان قبل و بعد، یا ضمن اجرای مجازات یا مستقل از آن،

1. Custodial Institutions/ Punishments.

تا رفع حالتی که آنها را در آینده در مظان ارتکاب جرم قرار می‌دهد به حکم یا قرار کتبی مراجع قضایی نگهداری می‌شوند.

هرچند این مراکز نیز، مانند کانون اصلاح و تربیت و مؤسسات حرفه‌آموزی و کاردرمانی، نام زندان به خود نگرفته‌اند و در واقع، کسی به خاطر ارتکاب جرمی محکوم به اقامت در آنها نمی‌شود، اما با همان استدلالی که در بالا ذکر شد، نوعی زندان به حساب می‌آیند.

لازم به تصریح است که هرچند ظاهراً ماده مزبور از قانون اقدامات تأمینی، مصوب ۱۳۳۹ الهام گرفته و پس از گذشت بیش از چهل سال از عدم اجرای آن، یک قانون متروک را دوباره به صحنه آورده است، اما چنانچه منظور از عبارت «... تا رفع حالتی که آنها را در آینده در مظان ارتکاب جرم قرار می‌دهد...» حالت خطرناک (برای آگاهی در مورد تعریف و انواع حالت خطرناک و نحوه تشخیص و درمان آن، رک: نوربها، ۱۳۸۳: ۲۱۰-۲۱۱)، به معنی داشتن ناهنجاریها و امراض جسمی یا روانی باشد، چنین مراکزی باید مجهز به امکانات درمانی و پزشکی مناسب باشند، در غیر این صورت حالت خطرناک آنها تشدید خواهد شد، اما اگر منظور از حالت خطرناک بیماریهای جسمی یا روحی نباشد که ارتکاب جرم را از سوی فرد مبتلا اجتناب‌ناپذیر می‌کند، بلکه صرف احتمال تکرار جرم مد نظر باشد، باید گفت: کلیه انسانها دارای حالت خطرناک هستند؛ زیرا احتمال ارتکاب جرم از سوی هیچ کسی منتفی نیست، چه رسد به شخصی که سابقه ارتکاب جرم نیز داشته باشد. پر واضح است که در چنین صورتی، نگهداری افراد بیش از حد مجاز قانونی در زندان یا هر مؤسسه دیگری، بر خلاف قانون و ناقض حقوق و آزادیهای فردی است و حتی قاضی نیز نمی‌تواند به جز مجازاتهای معینه، حکم به مجازات دیگری در مورد افراد صادر نماید.

البته چنانچه سوابق مرتکبی یا اوضاع و احوال وی، غیر از بیماری، ایجاد علم قطعی یا دست کم ظن قوی بر تکرار جرم از سوی او نماید، شاید تنها راه -آن هم در صورت امکان قانونی- تشدید یا تبدیل مجازات او، بر حسب مورد یا اعطای مجازات ترمیمی و تکمیلی، موضوع موادی از قانون مجازات اسلامی باشد. چنانچه این حالت پس از صدور و اجرای حکم صادره برای جرم اولیه احراز شود، باید از طریق ادارات

مراقبت بعد از خروج (موضوع ماده ۱۶ آیین نامه زندانها)^۱، به مواظبت و مراقبت از فرد مبتلا پرداخت تا مجدداً به دامن جرم نیفتد و یا از طریق تصویب قانون، تأسیسی مانند آزادی با مراقبت ایجاد نمود تا بتوان ضمن رعایت حقوق چنین افرادی از امکان تکرار جرم آنها نیز جلوگیری نمود. در غیر این صورت، چنین قوانین و موادی می‌تواند مستمسکی برای برخورد تبعیض آمیز با افراد شده و پایه‌های عدالت را سست نماید، چنان که چنین سوء استفاده‌هایی در تاریخ دو بیست ساله اخیر دنیا بی سابقه نبوده است. مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی، برابر بند ۱ و بند ۲ ماده ۱۳ آیین نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴، محلهایی هستند که می‌توانند در داخل یا خارج از زندانها و در مالکیت زندان یا دیگر بخشهای دولتی، عمومی و تعاونی یا حتی خصوصی و مؤسسات خیریه بوده و برابر تبصره ۱ این ماده، می‌توانند به پیشنهاد رئیس مؤسسه و تشخیص رئیس سازمان زندانها، به عنوان مراکز حرفه آموزی و اشتغال مورد استفاده قرار گیرند. برابر تبصره ۲ همین ماده:

مؤسسه صنعتی، کشاورزی و خدماتی خارج از سازمان باید دست کم واجد محلهای کافی، جهت نمازخانه، کتابخانه، وسایل ارتباط جمعی، خوابگاه، غذاخوری، محلی برای ملاقات محکومان و سایر زمینه‌های تفریحات سالم باشند.

زندان محکومان عمومی یا عادی و محکومان مالی

زندانهای عادی یا عمومی، به نگهداری سایر زندانیان محکوم به حبس، غیر از سه دسته ذکر شده در بالا و نیز برای نگهداری برخی محکومان دیگر، مثل محکومان به حبس، بدل از جریمه نقدی یا محکومان مالی (بدهکاران) اختصاص داده شده‌اند؛ هر چند در آیین نامه ۱۳۸۴، بر خلاف آیین نامه ۱۳۸۰، نامی از این محکومان برده نشده است. این نوع زندان دربرگیرنده محکومان زن و مرد می‌باشد، ولی زندان خاصی برای آنان در آیین نامه زندانها پیش بینی نشده است. به هر حال، هر چند زندان زنان و مردان، بر اساس مقررات داخلی و بین المللی طبقه بندی زندانیان، از یکدیگر قابل تفکیک است، اما به نظر می‌رسد که چنین جدایی به معنی تفاوت نوع زندان و

۱. طبق این ماده «اداره‌های مراقبت بعد از خروج مراکزی هستند که حمایت محکومان آزاد شده و واجد شرایط را بر عهده می‌گیرند».

مقررات حاکم بر آن، جز موارد مربوط به جنس زندانی، نیست؛ زیرا هر دو طبقه مردان و زنان، به دلایل مشابهی در چنین زندانی نگهداری می‌شوند و نظام حاکم بر آنها، جز در مورد رعایت ضروریات مربوط به جنس آنها، باید مشابه باشد.

زیرمجموعه‌های این تقسیم بندی، بر اساس ماده ۵ آیین نامه جدید زندانها عبارتند از: زندان بسته و مراکز حرفه آموزی و اشتغال که خود شامل مؤسسه‌های حرفه آموزی و کاردرمانی (اردوگاه) نیز می‌شوند. چنانچه قبلاً ذکر شد، چون مؤسسه‌های حرفه آموزی و کاردرمانی (اردوگاه)، نوعی زندان و به تعبیر دقیق تر، نوعی مؤسسه شبیه زندان هستند که برای اشخاص معینی در نظر گرفته شده‌اند، به همین دلیل، ذیل تقسیم بندی شخصی زندانها مورد بحث قرار گرفتند، ولی دو نوع دیگر؛ یعنی زندان بسته و مراکز حرفه آموزی و اشتغال ذیلاً تحت عنوان تقسیم بندی سوم از زندانها مورد بحث قرار می‌گیرند. این دو نوع زندان، ظاهراً بر اساس شدت مجازات حبس یا همان مدت زندان یا سطح امنیتی زندان محل اعمال کیفر، از یکدیگر تفکیک شده‌اند. مجدداً تأکید می‌شود که زندان زنان و مردان نیز در بطن هر یک از این تقسیم بندیها نهفته است، لذا به طور جداگانه مورد بحث قرار نمی‌گیرند.

طبقه بندی امنیتی زندانها (شدت مجازات یا مدت حبس)

بر اساس این طبقه بندی و طبق ماده ۵ آیین نامه زندانها، مصوب ۱۳۸۰، زندانها به سه نوع زندان بسته، زندان نیمه بسته (نیمه باز) و زندان باز تقسیم می‌شدند که بر خلاف ظاهر مواد ۸ و ۱۰ آیین نامه مزبور و برداشت برخی صاحب نظران (بولک، ۱۳۸۵: ۱۵ و ۲۰۴) ملاک تفکیک آنها، نوع جرم یا محکومیت (کیفر) نبود، بلکه میزان یا مدت محکومیت حبس، عامل اساسی در چنین تفکیکی به حساب می‌آمد.

در حال حاضر برابر آیین نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴، این تقسیم بندی ظاهراً کنار گذاشته شده؛ زیرا در ماده ۵ آن، زندانها به زندان بسته و مراکز حرفه آموزی و اشتغال تقسیم شده‌اند. به تصریح ماده ۸ همین آیین نامه:

کلیه محکومان با توجه به نوع و میزان محکومیت، پیشینه کیفری، شخصیت، اخلاق و رفتار بر اساس تصمیم شورای طبقه بندی، حسب مورد در زندانهای بسته یا مراکز حرفه آموزی و اشتغال نگهداری می‌شوند، مگر آنکه مقام قضایی صادر کننده

حکم، در رأی صادره محل خاصی را برای نگهداری محکوم تعیین نموده باشد.

بنابراین به نظر می‌رسد که در آیین‌نامه جدید، از لحاظ سطح امنیتی، زندانها به دو دسته تقسیم می‌شوند، هر چند به گونه‌ای که ملاحظه خواهد شد، برابر ماده ۷ آیین‌نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال نیز با الفاظ متفاوتی از آیین‌نامه ۱۳۸۰، به سه سطح امنیتی (محصور، نامحصور و بینابین) تقسیم شده‌اند که یادآور درجه‌بندی زندانها به بسته، نیمه‌بسته (نیمه‌باز) و باز، در این آیین‌نامه و دیگر آیین‌نامه‌های سابق زندانها می‌باشد. بدیهی است این تقسیم‌بندی هیچ مغایرتی با مواد ۷ و ۸ «آیین‌نامه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان» مصوب ۱۳۸۵ ندارد که در آنها جداسازی مرتکبان برخی جرایم در زندانهای با ظرفیت بالای هفتصد نفر و غیر آن مشخص گردیده است.

ذیلاً هر یک از این زندانها شرح داده می‌شوند که نوعی زندان عمومی یا عادی بوده و علاوه بر محکومان به حبس، سایر محکومان منتظر اجرای حکم، ناتوان از پرداخت جزای نقدی و نیز بدهکاران را نیز در خود جای می‌دهند. از اینگونه محکومان صراحتاً در آیین‌نامه زندانها، نامی برده نشده و فقط در تبصره ماده ۳۶ به محکومیت‌های حبس بدل از جزای نقدی به طور گذرا اشاره شده است.

زندان بسته

زندان بسته، به مفهوم موجود در ادبیات حقوقی و موضوعه، یعنی محلی که اطراف آن با ابزارهای متعدد و ویژه امنیتی تحت کنترل بوده و افراد داخل آن، اعم از زندانی یا کارمند، نمی‌توانند به راحتی از آن خارج یا به آن وارد شوند. به عبارت دیگر چون درجه امنیتی زندان بسته، خیلی بالاست، لذا در چنین زندانی، کنترل شدید در مورد افراد نامبرده فوق اعمال می‌شود و معمولاً کنترل و نگهداری افراد زندانی، در داخل زندان بر سایر کارکردهای آن، اعم از اصلاح و غیره برتری تام دارد، هر چند معنی چنین بیانی عدم وجود برنامه‌های اصلاحی و آموزشی نیست.

در دو قسمت ذیل به تعریف زندان بسته و افراد قابل پذیرش در آن به گونه‌ای که در آیین‌نامه زندانها آمده، می‌پردازیم.

تعریف زندان بسته

برابر ماده ۶ آیین‌نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴ که عیناً در ماده ۶ آیین‌نامه ۱۳۸۰ تکرار گردیده بود، زندان بسته دارای حفاظ و حصار بوده و پوسته داخلی و خارجی آن، توسط برجهای دیده‌بانی، یعنی مأموران مسلح متعددی پاسداری می‌شود. در اطراف اینگونه زندانها معمولاً دیوارهای بلند، سیم خاردار، گاهی اوقات میدان مین و فضای باز کنترل‌شده، برای مراقبت و کنترل دقیق‌تر حرکات زندانیان دیده می‌شود. برابر تبصره این ماده، در این نوع زندان محکوم علیه، شب را در خوابگاههای اختصاصی یا گروهی سپری می‌کند و روزها در کارگاههای داخل زندان به کار می‌پردازد و یا از برنامه‌های آموزشی، تفریحی و غیره بهره می‌برد.

افراد قابل پذیرش در زندان بسته

برابر قسمت اخیر ماده ۴ آیین‌نامه سابق زندانها، مصوب ۱۳۷۲، افرادی در این نوع زندان نگهداری می‌شدند که مقام قضایی یا شورای طبقه‌بندی زندان، نگهداری آنان را در سایر زندانها و مؤسسات وابسته، به مصلحت ندانند. ملاک تصمیم‌گیری مقام قضایی در این زمینه، مشخص نبود، ولی به نظر می‌رسید که اختیار شورای طبقه‌بندی برای چنین تصمیمی به ملاک مندرج در مواد ۶ و ۸ آیین‌نامه، یعنی مدت محکومیت زندانی محدود بود. بدین ترتیب، چنانچه فردی به بیش از دو سال حبس محکوم می‌گردید لازم بود ابتدا مدتی را که در این مواد معین شده، در زندان بسته سپری نماید. همچنین در صورتی که زندانی، شایستگی اخلاقی جهت کار یا اقامت در سایر انواع زندان یا مؤسسات وابسته را نداشت یا مرتکب فرار می‌گشت، به زندان بسته منتقل می‌گردید و مراتب، حسب مورد به شورای طبقه‌بندی یا مقامات قضایی اعلام می‌گردید.

در آیین‌نامه ۱۳۸۰، عبارتی شبیه قسمت اخیر ماده ۴ آیین‌نامه ۱۳۷۲، در خصوص زندان بسته وجود نداشت، بنابراین در بادی امر به نظر می‌رسید که کسی در این نوع زندان، نگهداری نمی‌شود، اما کمی دقت در مواد دیگر همین آیین‌نامه نشان می‌داد که مواد ۸ و ۱۰ با تغییرات و اضافاتی (در مورد مدت اقامت در هر یک از انواع زندانها و نیز در مورد محکومان مالی جریمه نقدی)، جایگزین مواد ۶ و ۸ آیین‌نامه قبلی

شده‌اند. اگرچه این مواد، در مقام اجرا ابهاماتی داشتند، ولی بر اساس این مواد محکومانی که به بیش از ۲ سال حبس محکومیت می‌یافتند، بدو در زندان بسته پذیرش می‌شدند و پس از گذراندن مدت معینی (یا در مورد متخلفان پس از تحمل مجازات معین شده از سوی شورای انضباطی زندان یا تعیین تکلیف از سوی شورای طبقه‌بندی)، به انواع دیگر زندانها راه پیدا می‌نمودند. علاوه بر این برابر ماده ۱۳ آیین‌نامه ۱۳۸۰ زندانها، محکومانی که شایستگی اخلاقی اقامت در مؤسسات محل کار یا زندانهای نیمه‌باز و زندانهای باز را نداشتند یا مقررات مربوط را رعایت نمی‌نمودند، با نظر رئیس زندان به زندان بسته اعزام می‌شدند و مراتب تخلف آنان حسب مورد، به مقامات قضایی (چنانچه جرم باشد) یا به شورای طبقه‌بندی (در صورتی که صرفاً یک تخلف انضباطی باشد) یا به هر دو اعلام می‌گردید. همچنین طبق بند ۵ ماده ۱۶۹ آیین‌نامه ۱۳۸۰ زندانها، یکی از تنبیهات انضباطی برای زندانیان، تغییر زندان آنان بود که امکان داشت در قالب انتقال به زندان بسته، مورد حکم شورای انضباطی زندان قرار گیرد.

مشکلات مربوط به پراکندگی مواد در خصوص نوع محکومان قابل نگهداری در زندان بسته با تصویب آیین‌نامه ۱۳۸۴ تا اندازه‌ای رفع شده است؛ زیرا، جز دو استثنای مذکور در تبصره‌های مواد ۸ و ۱۱ - یعنی انتقال زندانی از مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال به زندان بسته، طبق نظر شورای انضباطی یا طبقه‌بندی در صورت ارتکاب تخلف یا نداشتن صلاحیت حرفه‌آموزی - برابر ماده ۸ آیین‌نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴، کلیه محکومان، اعم از محکوم به حبس یا بدل از جریمه یا محکوم مالی، با توجه به ملاکهای مذکور در همین ماده و ماده ۶۹ - که البته برخی موارد در آنها تکراری است - و بر اساس تصمیم شورای طبقه‌بندی زندان (موضوع ماده ۶۵ و ۶۶ همین آیین‌نامه) حسب مورد در یکی از زندانهای بسته یا انواع مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال نگهداری می‌شوند، مگر آنکه مقام قضایی صادرکننده رأی محکومیت، محل خاصی را برای نگهداری محکوم تعیین نموده باشد.^۱

به استثنای موارد مذکور در تبصره‌های مواد ۸ و ۱۱ که ملاک انتقال زندانی، به

۱. به نظر نمی‌رسد که مقام قضایی چنین اختیاری را جز در موارد استثنایی و منصوص در قانون، داشته باشد (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: صفاری، ۱۳۸۶: گفتار «طبقه‌بندی و شورای طبقه‌بندی زندانیان»).

زندان بسته را تخلف وی از مقررات یا عدم شایستگی برای حرفه‌آموزی ذکر کرده است، در آیین‌نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴ بر خلاف آیین‌نامه‌های سابق، مشخص نیست که ضابطه تشخیص شورا در اختصاص و پذیرش زندانیان در زندان بسته چیست. در نتیجه دست اعضای شورا در اعمال معیارهای کلی مذکور در مواد ۸ و ۶۹ همین آیین‌نامه کاملاً باز است؛ یعنی ظاهراً هر محکومی را می‌توانند در این نوع زندان مستقر نمایند. هرچند کاربرد صحیح این ابزار به مدیریت زندان، در کنترل و تشویق زندانیان یاری می‌رساند، اما اگر رویه تعریف شده و ثابتی، در تقسیم زندانیان در قالب یک دستورالعمل داخلی وجود نداشته باشد، می‌تواند به تبعیض خواسته یا ناخواسته منجر شده و در درازمدت یا در صورت وجود تفاوت‌های چشمگیر در تقسیم زندانیان به اعتراض آنان یا خانواده زندانیان نیز بینجامد.

مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال

مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال برابر ماده ۵ آیین‌نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴، یکی دیگر از انواع زندان است که برای اولین بار طرح شده است. به موجب همین ماده، مؤسسه‌های حرفه‌آموزی و کاردرمانی (اردوگاه)، زیرمجموعه اینگونه مراکز هستند که طبق ماده ۱۲، برای نگهداری متهمان و محکومان جرایم مواد مخدر و اعتیاد در نظر گرفته شده‌اند و بحث آنها قبلاً گذشت.

تعریف مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال

برابر ماده ۷ آیین‌نامه زندانها:

مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال مکانی است که می‌تواند محصور و در پوشش خارجی، دارای حفاظت مناسب یا نامحصور و بدون حفاظت و مأمور انتظامی و یا در حالتی بینابین باشد که در آن محکومان به طور گروهی به کار اعزام می‌گردند و پس از خاتمه کار دوباره به آسایشگاههای خود بازگشت داده می‌شوند. تبصره: سازمان [زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور] می‌تواند برنامه‌های حرفه‌آموزی، آموزش و اصلاح را در مورد متهمان نیز اجرا نماید.

از نحوه تحریر ماده ۵ آیین‌نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴ که مقرر می‌دارد: زندانها

به زندان بسته، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال که خود شامل مؤسسه‌های حرفه‌آموزی و کاردرمانی (اردوگاه) است، تقسیم می‌شوند، چنین برداشت می‌گردد که مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، تنها شامل مؤسسه‌های حرفه‌آموزی و کاردرمانی، مخصوص متهمان و محکومان جرایم مواد مخدر و اعتیاد است، ولی ظاهراً این برداشت صحیح نیست؛ زیرا از ماده ۷ که این مراکز را تعریف می‌کند استفاده می‌شود که این مراکز برای نگهداری محکومان عمومی (عادی) دیگر نیز در نظر گرفته شده‌اند که طبق تشخیص شورای طبقه‌بندی، نیازی به نگهداری آنان، در زندان بسته نیست. بنابراین، به نظر می‌رسد که جهت رفع چنین ابهامی از ماده ۵ آیین‌نامه بهتر باشد تا چنانچه در تحریر آن اشتباهی رخ نداده باشد، انشای آن عوض شده و مثلاً بدین نحو تحریر گردد: «زندانها به زندان بسته و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال تقسیم می‌شوند. مؤسسه‌های حرفه‌آموزی و کاردرمانی (اردوگاه) بخشی از این مؤسسات هستند.»

مراکز مذکور که ظاهراً از لحاظ امنیتی، در درجه پایین تری نسبت به زندان بسته قرار می‌گیرند، برابر ماده ۷ آیین‌نامه زندانها، خود دارای سه سطح امنیتی می‌باشند که در این ماده، از آنها به محصور و دارای حفاظت مناسب در پوشش خارجی، نام‌محصور و بدون حفاظت و مأمور انتظامی و بینابین تعبیر شده است که یادآور تقسیم امنیتی زندانها، در آیین‌نامه ۱۳۸۰ به بسته، نیمه‌بسته (نیمه‌باز) و باز است. هرچند ملاک این تقسیم‌بندیها، به روشنی در آیین‌نامه زندانها مشخص نیست، اما چنانچه قبلاً نیز ذکر شد، به نظر می‌رسد دلیل اصلی سطح امنیتی و به عبارت دقیق‌تر شدت و خطرناکی جرم که علی‌الاصول با میزان کیفر معین می‌گردد، باعث این تفکیکها شده است.

افراد قابل پذیرش در مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال

باتوجه به مطالب فوق چنین به نظر می‌رسد که مراکز مورد بحث به طور کلی، برای نگهداری محکومانی است که نسبت به دیگران دارای کیفر پایین تری هستند و نیازی به سختگیری زیاد و به عبارت دقیق‌تر رعایت مقررات امنیتی شدید، در مورد آنها وجود ندارد. در عین حال، مستفاد از مواد ۸ و ۶۹ آیین‌نامه -به طوری که قبلاً نیز گذشت- این است که شورای طبقه‌بندی زندانیان، در تقسیم آنان دارای اختیار کامل

است و می‌تواند هر محکومی را با هر میزان محکومیت یا هر نوع جرمی، در آنها مستقر نماید. به همین دلیل، تنظیم دستورالعمل اجرایی در این مورد، برای جلوگیری از تبعیض، خواسته یا ناخواسته، در مورد محکومان و نیز برای دسته‌بندی صحیح آنان، برای استقرار در انواع بسته، نیمه‌بسته یا باز این مراکز ضروری می‌نماید. نیز لازم است قسمت‌هایی برای نگهداری محکومان مالی، یعنی بدهکاران و محکومان به حبس بدل از جریمه نقدی، جدا از محل نگهداری محکومان به حبس پیش‌بینی گردد. در غیر این صورت نه تنها انصاف در مورد غیر محکومان به حبس رعایت نشده، بلکه مقررات بین‌المللی در خصوص لزوم تفکیک محل نگهداری بدهکاران از مجرمان نیز نادیده گرفته شده است.

در حال حاضر با اطلاق مواد ۸ و ۶۹ آیین‌نامه زندانها، مصوب سال ۱۳۸۴، شورای طبقه‌بندی زندان، می‌تواند همه اینگونه افراد را در یکی از زندان بسته یا واحدهای بسته، نیمه‌بسته یا باز مربوط به مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال طبقه‌بندی و مستقر نماید. تبصره ماده ۳۶ آیین‌نامه نیز، به طور ضمنی بر محکومان به جریمه نقدی تأکید دارد: تبصره: نظارت کامل در اجرای محکومیت‌های حبس بدل از جزای نقدی محکومان نیز، در زندانها یا مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، از وظایف ذاتی مسئول اجرای احکام هر مؤسسه یا زندان [است] که زیر نظر مسئول مربوط انجام می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله انواع زندان و افراد قابل پذیرش، در هر یک، مورد بررسی قرار گرفت. طبق آیین‌نامه‌های موجود در ایران، سه نوع بازداشتگاه -عمومی، موقت و امنیتی- و سه نوع زندان مخصوص محکومان -زندان بسته، اردوگاه (مخصوص محکومان مواد مخدر و معتاد)، مراکز حرفه‌آموزی و کاردرمانی- در کنار برخی مؤسسات دیگر وابسته به زندان و نیز کانون اصلاح و تربیت -مخصوص افراد زیر ۱۸ سال تمام- وجود دارد. عدم تفکیک محل نگهداری محکومان مالی از محکومان کیفری، یکی از مواردی است که نه تنها خلاف انصاف و عرف زندانبانی است، بلکه با تعهدات بین‌المللی و مقررات حداقل استاندارد برای نگهداری زندانیان نیز مغایر است.

کتاب‌شناسی

۱. بولک، برنار، *کیفرشناسی*، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجلد، ۱۳۸۵.
۲. حاجی تبار فیروزجایی، حسن، *جایگزینهای حبس در حقوق کیفری ایران*، با دیباچه دکتر علی صفاری درباره «مفهوم کیفر سالب آزادی و تعریف زندان»، پایان‌نامه چاپ شده کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، انتشارات فردوسی (زیر چاپ)، ۱۳۸۶.
۳. زمانی، سیدقاسم، «موازن بین‌المللی حقوق بشر و بازداشت محکومان مالی در ایران»، *مجله حقوقی*، شماره ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۴. صفاری، علی، *کیفرشناسی: تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی*، تهران، جنگل (زیر چاپ)، ۱۳۸۶.
۵. طبسی، نجم‌الدین، *حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام*، ترجمه سیدمحمدعلی ابهری و دیگران، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۶. *کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی*، ترجمه مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلد اول، اسناد جهانی، زیر نظر اردشیر امیرارجمند، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
۷. منتظری، حسینعلی، *مبانی فقهی حکومت اسلامی (دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة)*: احکام و آداب اداره زندانها و استخبارات، ترجمه و تقریر ابوالفضل شکوری، تهران، تفکر، ۱۳۷۱.
۸. نوربها، رضا، *زمینه جرم‌شناسی*، چاپ سوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۳.
۹. همو، *زمینه حقوق جزای عمومی*، با تجدید نظر و اضافات، چاپ چهاردهم، تهران، دادآفرین، ۱۳۸۵.
۱۰. وائلی، احمد، *احکام السجون*، ترجمه محمدحسن بکایی تحت عنوان *احکام زندان در اسلام*، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴.
۱۱. واحدی نوایی، آوا، *نظام جزایی ایران در عصر ساسانیان*، با دیباچه رضا نوربها، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰.

